

The Dominican monastic order and its social and cultural functions in the Middle Ages

Akram Arjah

PhD student of Comparative Religions and Mysticism, Department of Science and Research, Islamic Azad University, Tehran, Iran, arjah132@yahoo.com

Shahram Pazouki

Professor, Wisdom and Philosophy Research Institute, Tehran, Iran (corresponding author), shpazouki@hotmail.com

Taherh Haj Ebrahimi

Associate Professor, Department of Religions and Mysticism, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran, thajebrahimi@yahoo.com

Abstract:

The Dominican order or the Order of preachers in the Middle Ages, in addition to the common social activism, such as charity and writing religious manuscripts, had a serious presence in the field of education and training of prominent theologians and mystics, gaining professorships in European universities. And in the field of spiritualism, connected mysticism and theosophy. The existence of mystical women and nuns in this Order had a great impact on the flow of Christian monasticism with the creation of mystical works and political and social activism. The efforts of the monks and artists to create works of art have also been done by benefiting from the symbols and elements related to the Dominican Order. Another action has been participation in political-religious affairs, including the fight against heretics, participation in inquisitions, crusades, and preaching and evangelism, including in Islamic lands. All these efforts were to protect the faith which was done with the focus of preaching in different communities, so that even famous theologians and mystics came to the people and preached. Totally, the Dominicans have had a multifaceted presence in the religious-social life of Catholic Christianity and the history of monasticism and Europe in the Middle Ages.

Keywords: Dominicans; the way of preachers; Christian mystical women; the French; Christian monasticism; inquisition; Crusades

طریقت رهبانی دومینیکی و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی آن در قرون وسطا^۱

طاهره حاج ابراهیمی^۲

شهرام پازوکی^۳

اکرم ارجح^۴

چکیده

۱۵۲

پژوهشنامه ادیان

طریقت دومینیکی^۵ یا طریقت واعظان^۶ یک حرکت اصلاح طلبانه در بستر رهبانیت مسیحی در قرون وسطا با شعار فقر، موعظه، آموختن، و تبلیغ انجیل بود. این طریقت افزون بر کنشگری اجتماعی رایج راهبان، مانند انجام امور خیریه و یاری رساندن به فرودستان و کتابت نسخه‌های آثار دینی، در زمینه علم‌آموزی و پرورش متکلمان و عارفان برجسته، کسب کرسی‌های استادی در دانشگاه‌های اروپا حضور جدی داشت و میان عرفان و علم پیوند برقرار کرد. همچنین وجود شاخه زنان عارف و راهبه در این طریقت با تالیف آثار عرفانی و کنشگری سیاسی و اجتماعی بر رهبانیت مسیحی بسیار تاثیرگذار بود. اهتمام هنرمندان پیرو این طریقت به خلق آثار هنری نیز با بهره‌مندی از نمادها و عناصر وابسته به طریقت دومینیکی انجام می‌شد. کنش در خور توجه دیگر این طریقت مشارکت در امور سیاسی-دینی از جمله مبارزه با بدعت‌گذاران، شرکت در جریان تفتیش عقاید و جنگ‌های صلیبی و تبلیغ و تبشیر از جمله در سرزمین‌های اسلامی بود. همه این تلاش‌ها برای پاسداری از ایمان در جامعه مسیحی با محوریت موعظه بود، چنان‌که حتی متکلمان و عارفان مشهور نیز به میان مردم می‌آمدند و موعظه می‌کردند. در مجموع دومینیکی‌ها در حیات دینی-اجتماعی مسیحیت کاتولیک و تاریخ رهبانیت و اروپای قرون وسطا حضوری چند جانبه داشته و جریان‌ساز بر اساس انگاره وعظ بوده‌اند.

سال ۱۸، شماره ۳۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

کلید واژه: دومینیکی‌ها؛ طریقت واعظان؛ زنان عارف مسیحی؛ فرانسیسی‌ها؛ رهبانیت مسیحی؛ تفتیش عقاید؛ جنگ‌های صلیبی

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷

۲. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

arjah132@yahoo.com

shpazouki@hotmail.com

۳. استاد، پژوهشگاه حکمت و فلسفه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۴. دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

thajebrahimi@yahoo.com

5. Dominican order

6. The way of the preachers

۱. مقدمه

پرسش از چگونگی شکل‌گیری کارکردهای اجتماعی و فرهنگی در طریقت‌های رهبانی مسیحیت کاتولیک از جمله طریقت دومینیکی است. بویژه مشارکت این طریقت‌ها با وجود گرایش انزواطلبانه در صومعه‌ها.

در این مقاله با اشاره به پیشینه رهبانیت که در مسیحیت تا پایان قرون وسطا، حضوری چند جانبه داشته، کارکردهای اجتماعی و فرهنگی طریقت دومینیکی با محوریت مفهوم «موعظه» در چهار محور علم و آموزش، زنان، سیاست و هنر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. برای دستیابی به اهداف این پژوهش پرسش‌هایی را می‌توان مطرح کرد:

- شیوه علم‌آموزی درون و برون صومعه‌ای دومینیکی‌ها چیست و متکلمان و عارفان وابسته

به این طریقت در نظام فکری-فلسفی مسیحیت کاتولیک چه تاثیری داشته‌اند؟

- طریقت دومینیکی تا چه اندازه زنان را به صحنه اجتماع آورد و شیوه آموزش و کنشگری

اجتماعی و عرفانی زنان وابسته به این طریقت چگونه بوده است؟

- در اروپای کاتولیک که دستگاه پایی از سیطره و قدرت بسیاری برخوردار بود، آیا صومعه‌ها

و راهبان وابسته به طریقت دومینیکی، در سیاست به لحاظ نظری و عملی مشارکت

داشته‌اند؟

- رابطه هنر و رهبانیت به طور عام و هنر و دومینیکی‌ها بطور خاص چگونه ارزیابی می‌شود؟

گرچه الهی‌دانان، فیلسوفان و عارفان برجسته‌ای به طریقت دومینیکی وابسته‌اند، اما به سبب

تمرکز مقاله بر کارکردهای اجتماعی و فرهنگی، تنها به برخی از آرا و نظریات آنان به اختصار

اشاره خواهد شد.

۲. پیشینه رهبانیت

مسیحیت دینی عرفان محور است. جنبه فردی آن در ارتباط بی‌واسطه با خداوند یا اتحاد با خدا و

جنبه اجتماعی آن در حیات‌بخشیدن به جامعه مسیحی، تعریف می‌شود. نخستین گرایش در منش

راهبانی از پیروان مسیح در اورشلیم مشاهده شد که مانند واعظی مجرد، خود را وقف خداوند

کرده بودند. در حرکت آنان انگاره وعظ به ظهور رسیده بود. کارکرد دیگر، حیات بخشی با

خدمت‌رسانی عملی شکل می‌پذیرد. این شیوه نیز از ابتدا در میان گروهی از زنان پرهیزکار که

خود را وقف عبادت و خدمت به مردم می‌کردند و از پیشگامان حرکت رهبانی به شمار می‌آمدند، آغاز شده بود.

با آغاز سده چهارم، رهبانیت ابتدا در شرق با گروهی موسوم به «پدران صحرا»^۱، به سامان‌یافتگی نزدیکتر می‌شد. آنان احساس اتحاد با خدا را در مکانی مقدس مانند صحرا تجربه کردند و به آموزش نوعی زندگی آگاهانه در جامعه مسیحی پرداختند (Rubenson, 2015:41). تاثیر این «عرفان عزلت‌گزین» را در حیات معنوی بزرگان مسیحی مانند آگوستین^۲ و جذب او به این شیوه سلوک می‌توان مشاهده کرد. آگوستین با کتاب *اعترافات* و تاکید بر حیات درونی انسان، پژوهش متهورانه‌ای درباره «خود» و خودکاوی را ارائه و افزون بر آن اندیشه یونانی را به عرفان مسیحی وارد کرد (آگوستین، ۱۳۸۰: ۲۴۳).

حیات فردی و اجتماعی مسیحیان از اواخر سده ششم که شمار عزلت‌گزیدگان رو به فزونی نهاد، و دیرنیشینی در هر دو بخش شرقی و غربی کلیسا ریشه دوانید، دستخوش تحولاتی گردید. در این دوره با تدوین *قاعده‌نامه پیشوای رهبانیت غرب*، بندیکت^۳ (۴۸۰-۵۴۲م) اهل نورسیا^۴ از ایتالیا، الگوی زندگی رهبانی اجتماعی نوینی به جامعه مسیحی ارائه شد (بندیکتوس قدیس ۱۳۹۶، ۵۹-۶۱).

رهبانیت ساختاریافته در پایان سده یازدهم، با شکوفایی اقتصادی و افزایش جمعیت شهرهای اروپا و نیز آغاز جنگ‌های صلیبی روبرو شد. پس از آن جریان‌های اصلاح‌طلبانه رهبانی مانند طریقت کلونی^۵ یا کارتوزیان^۶ و طریقت اصلاح‌گر سیسترسی^۷ به گرایش‌های دنیاگرانه در جامعه و میان طریقت‌های رهبانی، واکنش نشان دادند. از تاثیرگذارترین عارفان، برنارد کلروویی^۸ (۱۰۹۱-۱۱۵۳م)، دومین بنیانگذار طریقت سیسترسی، بود که حرکتش بر تجدید حیات باطنی جامعه مسیحی مبتنی بود. او با عشق خدا و زندگی زاهدانه و کنشگری اجتماعی، نمونه عارفی با سلوک فردی و اجتماعی بود و حتی بر بیان ارزش‌ها در هنرهایی مانند موسیقی و معماری و

۱. Desert Fathers

۲. Augustino

۳. Benedict

۴. Nursia

۵. Cluniac Order

۶. Carthusian

۷. Cistercians Order

۸. Bernard of Clairvaux

تذهیب اصرار می‌ورزید (اندرهیل، ۱۰۸-۱۱۱؛ Casey, 2015: 147).

در سده یازدهم، اروپای غربی با انگیزه‌های گوناگونی به توسعه طلبی و ستیزه‌جویی با ملت‌های غیرمسیحی در اسپانیا و خاورمیانه پرداخت و در جریان آنها نخستین فرقه‌های شهبواری، با جنبه‌های دوگانه دینی- نظامی، شکل گرفت. از معروف‌ترین آنها فرقه راهبان صلیبی^۱ و فرقه پرستاران^۲ که از قواعد زاهدانه پیروی می‌کردند، این حرکت به این معنی است که نظامیگری، جنبه رهبانی یافته بود (ولد، ۱۳۸۹: ۱۳).

۱-۲. طریقت‌های سائل یا مندیکنت

طریقت‌های سائل یا گدا^۳ در سده سیزدهم در واکنش به آنچه آنان سستی در رهبانیت می‌دانستند، پدید آمدند و به سبب ایجاد تمایز با کشیشان، اعضای آنها برادر خوانده می‌شدند و شامل چهار طریقت فرانسیسی^۴، دومینیکی، کارملیتی^۵ و آگوستینی^۶ بودند. این طریقت‌ها در واقع حرکت انتقادی در جریان رهبانیت با پیام و انگیزه متفاوت موعظه و خدمت به مردم بودند.

اصل فقر و خودداری از پذیرش موقوفات، برای فرایرها بسیار مهم بود و آنان تملک را مانع رهبانیت می‌دانستند. این راهبان با درخواست و گدایی کردن به میان مردم می‌رفتند و برای تحصیل و موعظه، در حرکت بودند. از نظر آنها یک راهب مسیحی می‌تواند میان مردم زندگی کند، اما از آن جهان آنان نباشد.

از طرفی پیش‌زمینه اجتماعی این نوع گرایش پس از تجربه یک دوره توسعه اقتصادی و ظهور نخستین بارقه‌های سرمایه‌داری در اروپا و دانشگاه‌های در حال شکل‌گیری، گرایش به رهایی از انزوا برای جامعه‌ای پویاتر با زمینه‌های دگراندیشی دینی بر ضد روحانیت بود و جریان رهبانیت آن را بر نمی‌تافت (Lawrence, 2015: 220).

از این میان، دو طریقت فرانسیسی و دومینیکی به صورت موازی و با شباهت بسیار در انتشار رهبانیت اجتماعی و مردم‌گرا و بنیانگذاری صومعه‌های پرشمار، پس از طریقت بندیکتی و گذشت

۱. Crusader monk

۲. Hospitalers

۳. Mendicante

۴. friar

۵. Franciscan

۶. Carmelites

۷. Augustinian

هفت صد سال، دو جریان تحول‌ساز رهبانی به شمار می‌آمدند.

فرانسیس آسیزی^۱ (۱۱۸۲-۱۲۲۶م)، بنیانگذار طریقت فرانسیسی، به عنوان محبوب‌ترین قدیس قرون وسطا و نوآورنده عرفانی شاعرانه و مسیح‌محور شناخته می‌شود. انگیزه او که در برخی طریقت‌های دیگر این دوره نیز مطرح شده است؛ بازگشت به اناجیل بود که نشان از نوعی رویگردانی از زمان خود دارد (آندر هیل، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۵).

فرانسیسی‌ها خود را برادران کوچک‌تر یا کهنتر می‌خواندند زیرا خود را کوچک‌ترین خدمتگزاران مسیح می‌شمردند. آنان مردم‌گرا بودند و در گروه‌های مختلف جامعه نفوذ بسیار داشتند. وجود شاخه زنان راهبه به نام «کلاراهای فقیر» و نیز گروه سوم برای مردان و زنان غیر کلیسایی که نمی‌توانستند به سبب وابستگی‌های خانوادگی یا شغلی، زندگی خود را رها کنند، بیانگر حضور اجتماعی استوار آنان است. پیروان فرانسیس واعظان توانایی بودند و با جریان تفتیش عقاید نیز همکاری می‌کردند و برخی از آنان به مقام اسقفی و پاپی رسیدند (Powell, 2015: 506).

۳. طریقت دومینیکی

طریقت دومینیکی یا فرقه واعظان را دومینیک د گوزمان^۲ (۱۱۷۰-۱۲۲۱م) بنیان نهاد. شعار این جنبش رهبانی، فقر، موعظه، آموختن و حرکت بیش از سکون بود. دومینیک در ۱۱۷۰م در کالارونگا^۳، در اسپانیا در خانواده‌ای اشرافی متولد شد. پس از تحصیل علوم مقدماتی به کلیسای جامع اُسما^۴ پیوست و به طریقت آگوستینی گرایش پیدا کرد. دومینیک در مأموریتی به شمال اروپا، از عقاید آلبیونی‌ها^۵ آگاه شد. آلبیونی‌ها یا کاتارها^۶ فرقه‌ای منسوب به آلبی^۷، ناحیه‌ای در جنوب فرانسه، بودند و به دوگانه‌انگاری برگرفته از تعالیم مانی باور داشتند. دومینیک نه سال در میان آنان به موعظه پرداخت، و با بدعت‌آمیز دانستن عقاید آنان از سوی کلیسای کاتولیک، راه مبارزه با کژآیینی آنان را زندگی فقیرانه و تبلیغ انجیل و آموختن الهیات مسیحی می‌دانست. در

۱. Francis of Assisi

2. Dominic de Guzman

3. Caleruega

4. Osma

5. Albigensian

7. Albi

۶. Cathars

این مرحله و با ایمان به ضرورت موعظه کردن و برای دستیابی به آن دانایی که پیش شرط موعظه‌ای موثر بود، نقطه عطفی در شکل‌گیری طریقت دومینیکی پدید آمد (Flinn, 2007: 236)؛ (Izbicki, 2015:412).

دومینیک با الگویی از مسیحیت نخستین در میان مردم سفر و موعظه می‌کرد و در پی بنیان نهادن تشکیلات جدیدی بود تا راهبان بتوانند با شناخت عمیق، مشکلات دینی مردم را پاسخگو باشند و هم موعظه‌گری فعال و هم مراقبه‌گری اهل مطالعه باشند.

دومینیک در ۱۲۱۷-۱۲۲۱م به سازماندهی طریقت دومینیکی و گسترش آن در تولوز^۱، پاریس، بولونیا^۲، مادرید و رم ادامه داد؛ به طوری که دانشگاه‌های پاریس و بولونیا مراکز اصلی تکوین و توسعه آموزه‌های آنان بود. دومینیک تشکیلات رهبانی خود را بر اساس نظام استانی طراحی کرد که الگوی مناسبی برای اداره امور کشور نیز بود. در این دوره کنشگری راهبان دومینیکی افزون بر صومعه‌نشینی، انجام موعظه‌های تبلیغی و تربیت نمایندگان برای پاسخگویی به مسائل اعتقادی مردم در شهرها بود. گرایش مردمی و نیاز به موعظه، این طریقت را به طبقات مختلف جامعه وابسته می‌کرد (Vicaire, 2003: 828).

در ۱۲۲۱م دومینیک در پنجاه سالگی به بولونیا بازگشت و در صومعه‌ای کوچک بدون هیچ دارایی از دنیا رفت. او بر اساس زندگی مسیح‌گونه‌اش که در فقر و ریاضت، نیایش و کوشش برای نجات دیگران سپری شده بود، در ۱۲۲۴م قدیس شناخته شد و آرامگاهی در کلیسای بولونیا با تصویری برگرفته از نمادهای دومینیکی، با جامه‌ای سیاه و سفید و ستاره‌ای برپیشانی، بر اساس رویای مادرش، برایش ساختند. او در این تصویر به مثابه سگ پروردگار است که از گله‌اش در مقابل گرگ‌های بدعت‌گذار حمایت می‌کند. دومینیکی‌ها که روی لباس سفید خود ردای مشکی می‌پوشیدند به برادران سیاه یا سیاهپوش، شهرت داشتند (Timko, 2015:410; Izbicki, 2015:412).

شناخت شخصیت عرفانی دومینیک تنها به چند نامه از او محدود می‌شود. گفته شده دومینیک برای موعظه کلام خدا تایید الهی داشت و زمانی که در سنت پیتر رم در حال دعا بود، پطرس و پولس بر او ظاهر شدند و به او گفتند: «برو موعظه کن، زیرا تو از سوی خدا برای این خدمت

برگزیده شده‌ای». این روایت به مفهوم «موعظه» که با ندایی از آسمان آغاز شده، قداست می‌بخشد (Fanning, 2001: 92).

۴. کارکردهای اجتماعی و فرهنگی طریقت دومینیکی

کارکردهای اجتماعی و فرهنگی طریقت دومینیکی را در چهار محور علم و آموزش و عرفان؛ زنان؛ سیاست و هنر می‌توان بررسی کرد که همه ناظر به موعظه هستند:

۴-۱. علم و آموزش و عرفان

در زمینه علمی و آموزشی، دومینیکی‌ها هم از نظریه پردازان کلام و عرفان به شمار می‌آیند و هم در طریقت خود برای آموزش برنامه‌ریزی و سازماندهی ویژه‌ای داشتند که شامل آموزش درون‌صومعه‌ای و تعلیم راهبان، و ارتباط برون‌صومعه‌ای با دانشگاه‌ها و مدیریت و سازماندهی کتابخانه صومعه‌ها می‌شود.

۴-۱-۱. آموزش راهبان

برنامه آموزشی دومینیکی‌ها شامل سخنرانی‌های روزانه و کتاب لمبارد^۱ (جملات چهارگانه پیتر لمبارد) منسوب به پیتر لمبارد^۲، و یک بحث هفتگی به زبان لاتین و آموزش زبان لاتین بود. راهبان پس از دو سال از مدارس عمومی به مدرسه استانی فرستاده می‌شدند. در سده چهاردهم شمار مدارس عمومی وابسته به دومینیکی‌ها به بیست مدرسه، در سراسر اروپا رسید که بیانگر توسعه علمی-آموزشی در این طریقت است.

مدارس استانی در صومعه‌های استان‌ها برپا می‌شد و معمولاً ده‌ها و گاه صدها صومعه را زیر نظر داشت. در این مدارس منطق ارسطو تدریس می‌شد و راهبان پس از دو یا سه سال فراگیری منطق، دو سال در مدارس استانی، فلسفه به ویژه متون فلسفی ارسطو و مباحث فیزیک و روح را مطالعه می‌کردند. تاکید بر منطق و فلسفه ارسطو در مدارس مردان به پیروی از برنامه درسی

۱. پیتر لمبارد، فیلسوف، منطقی‌دان و پژوهشگر فرانسوی و اسقف شهر پاریس، نویسنده کتابی است که به نام خودش شهرت یافت. این کتاب مشهور به «کتاب‌های چهارگانه جملات» به یکی از منابع اصلی الهیات تبدیل شد. او در این کتاب به شکل منظم مباحث اصلی الهیات را مطرح کرد، که مجموعه‌ای از تعالیم گوناگون برگرفته از کتاب مقدس و آثار پدران کلیسا به ویژه آگوستین است.

2. Peter Lombard

دانشگاه بود، زیرا که در سده سیزدهم آرای ارسطو در تمام زمینه‌های آموزش عالی نفوذ کرده بود (Grendler, 2015: 430).

کتابخانه برای پشتیبانی آموزش و عبادت، بخش جدایی‌ناپذیر صومعه بود و داده‌ها نشان از آن دارد که اتاق تحریر صومعه‌ها بسیار پرکار بود. این کتابخانه‌ها مرجع مهمی برای جمع‌آوری کتاب‌های علمی و حتی منابع اومانیستی (انسان‌مدار) در سده‌های بعد بودند (Stewart, 2015: 765؛ گرین‌بلت، ۱۳۹۷: ۲۲۶-۲۳۰). کتابخانه‌های صومعه‌های دومینیکی در این زمینه شاخص بودند، چنان‌که گاه نسخ خطی کتب اسلامی نیز در آنها یافت شده است، مانند نسخه‌ای از کتاب /اخلاق محسنی، از حسین واعظ کاشفی در کتابخانه صومعه ماریا روتاندا در وین اتریش (هالف آپ، ۱۳۹۲: ۷۴).

۱۵۹

پژوهشنامه ادیان

۲-۱-۴. دومینیکی‌ها، الهیات مسیحی، دانشگاه

نقش دومینیکی‌ها، در نظریه‌پردازی در کلام و عرفان مسیحی و حضور در مراکز علمی درخور توجه است. از طرفی با وجود متکلمان بزرگی مانند آلبرت کیبر^۱ (مرگ ۱۲۸۰م)، الهی‌دان و محقق نوآور در بسیاری زمینه‌ها از جمله جانورشناسی، و توماس آکوئینی^۲ (حدود ۱۲۲۵-۱۲۴۷م) به‌عنوان بزرگ‌ترین فیلسوف مسیحی قرون وسطا، نخستین طریقتی بود که در دانشگاه پاریس و شماری دیگر از مراکز علمی در اروپای قرون وسطا صاحب کرسی الهیات شد. در این دوره، دانشگاه‌ها در آموزش، جایگزین صومعه‌ها شده بودند. در پایان سده پانزدهم و شانزدهم، بیشتر دانشگاه‌های ایتالیا دو راهب برای تدریس الهیات به دانشگاه‌های خود افزودند، یک راهب دومینیکی برای تدریس الهیات تومایی^۳ و یک راهب فرانسیسی برای تدریس الهیات دانس اسکوتوس^۴ (Grendler, 2015: 431).

1. Saint Albertus Magnus

2. Saint Thomas Aquinas

۳. توماس آکوئینی که تحت‌تأثیر فیلسوفان مسلمانی مانند ابن‌سینا بود، برای سازگاری فلسفه ارسطویی و الهیات مسیحی، به جمع این دو نظر پرداخت که به فلسفه تومایی یا فلسفه جاوید شناخته می‌شود. چنان‌که در سده نوزدهم کلیسای کاتولیک برای پاسخگویی به منتقدان جدید، احیای آثار او را موثرترین روش می‌دانست.

۴. Duns Scotus، فیلسوف فرانسیسی او به همراه توماس آکوئینی، بوناونتور و ویلیام اوکهام یکی از چهار فیلسوف-الهی‌دان مسیحی مهم اروپای غربی در قرون وسطا است. آموزه‌ای که او بیشتر به آن‌ها شهرت دارد «وحدت وجود» است، اینکه هستی انتزاعی‌ترین مفهومی است که ما داریم و قابل اعمال بر هر چیزی است که وجود دارد.

در این زمان تفسیر دانش مسیحی در رویارویی با اندیشه‌های یونانی و تفسیر آرای ارسطو مشکل داشت و کلیسا به آرای ارسطو روی خوش نداشت. از طرفی الهیات اسلامی توسعه بسیاری یافته بود و مکتب آگوستینی که بر الهیات مسیحی سیطره داشت، دچار بحران بود و ضرورت بینش تحلیلی و عقلی را می‌طلبد و متالهان دومینیکی در این زمینه حضور جدی داشتند (کونگ ۱۳۸۴، ۱۶۰؛ Boland, 2015: 22).

از عارفان وابسته به دومینیکی‌ها، مایستر اکهارت^۱ (۱۲۶۰-۱۳۲۷م) است که در واقع متکلم بود. آموزه‌های عرفانی او به تدریج در منابع اصلی عرفان مسیحی جای گرفت. در ۱۳۲۳م اسقف اعظم کلن او را به سبب شماری از عقایدش به اتهام بدعت احضار کرد. اکهارت در ۱۳۲۷م از دنیا رفت و پاپ در ۱۳۲۹م بخشی از تعالیم وی را مردود اعلام کرد (Woods, 2015: 422). اکهارت که مانند توماس آکوئینی از دانشمندان مسلمان مانند ابن رشد و ابن سینا تاثیر پذیرفته بود، الهیات عرفانی پیچیده‌ای را مطرح کرد. چنان‌که درباره رابطه عمل و نظر خوانشی متفاوت را بازگو کرد؛ که نکته‌اش تاکید بر باطن را به فعل در آوردن و فعل را به ساحت باطن کشاندن است (ردلر، ۱۳۹۷: ۸۶). او همچنین تفسیری متفاوت از تثلیث داشت، از نظر او میان خدا و جهان گونه‌ای پیوستگی وجود دارد و خدا در مقام ذات، نیستی محض و برهوت^۲ و عاری از هر گونه تعیین و به تعبیر او «تاریکی الوهیت ازلی» است و در آن جایگاه انسان به خدا می‌رسد. همچنین خدا در مقام خالقیت در اشخاص ثلاثه، پدر و پسر و روح القدس، تجلی می‌کند (پازوکی، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

نکته درخور توجه دیگر درباره وجوه زبانی است. با اینکه دومینیکی‌ها به زبان لاتین وابستگی داشتند، اکهارت موعظه‌هایش را به زبان آلمانی تنظیم می‌کرد. این کار سبب تقویت این زبان شده بود و این نکته بیانگر پیوند عرفان و زبان و سهمی است که عارفان در تکوین زبان، به ویژه زبان آلمانی داشتند (کورت، ۱۴۰۰: ۲۱۲).

شاگردان اکهارت، هاینریش سوسو^۳ (۱۲۹۶-۱۳۶۶م)، با قلم شاعرانه‌اش و یوهانس تاوُلر^۴ (۱۳۰۰-۱۳۶۱م) با تشکیل حلقه «دوستان خدا» راه اکهارت را پاس داشتند.

1. Meister Eckhart
2. DESERT
3. Heinrich Seuse
4. Johannes Tauler

نخبگان دومینیکی مانند آلبرت کیبر و توماس آکوئینی و مایستر اکهارت، به مفهوم واقعی کلمه واعظ بودند و افزون بر اندیشه‌ورزی و استادی دانشگاه، وظیفه سازماندهی جامعه دینی را بر عهده داشتند و حتی بسیار با پای پیاده سفر می‌کردند و برای دانشگاهیان و مردم عادی موعظه می‌کردند (کورت، ۱۴۰۰: ۴۹).

۲-۴. زنان راهبه و عارف

رهبانیت و عرفان قرون وسطا را بدون حضور زنان نمی‌توان شناخت. بسیاری از آنان به عنوان عارف، هنرمند، کنشگر اجتماعی و سیاسی و معلم شناخته می‌شدند و در قرون وسطا نقش اجتماعی مهمی داشتند. ورود زنان به طریقت‌ها و صومعه‌ها از آنجا که آنان موقعیت‌های اندکی برای پیشرفت داشتند، یک نقطه حیاتی به شمار می‌آمد (English, 2005: 529).

طریقت دومینیکی در پیوستن و آموزش زنان به سلوک رهبانی از اهمیت بسیاری برخوردار است و آثار آن را در اعتلای حیات معنوی سه گروه از زنان می‌توان بررسی نمود. نخست زنان نام‌آوری که در صومعه‌های دومینیکی آموزش دیدند ولی به طریقت‌های دیگر پیوستند؛ گروه دوم راهبه‌ها و زنان کنشگر دومینیکی و گروه سوم زنانی در اجتماع که مورد حمایت صومعه‌های دومینیکی بودند.

دومینیک بر اساس نگرش اجتماعی خود برای نجات جامعه مسیحی، به جمعیت زنان توجه ویژه داشت. او در ۱۲۰۷م وقتی زنان به سبب فقر، جذب فرقه آلبیژنی می‌شدند، صومعه‌ای در پروئیل برای آنان بنا نهاد و حتی مسئولیت صومعه زنان در سن‌سیستو^۱ در رم را خود برعهده گرفت. شاخه زنان دومینیکی آلمان نیز مهم‌ترین گروه زنان این طریقت به شمار می‌آید (Timko, 2015: 410; Fanning, 2001: 180)

هیلدگارد بینگنی^۲، نویسنده، عارف، شاعر و موسیقی‌دان و مشتیلد ماگدبورگی^۳، نویسنده کتاب شش جلدی نور فیض پروردگار، دو شخصیت نام‌آور عرفان مسیحی، از آموزش در صومعه‌ها و تعالیم دومینیکی برخوردار شده‌اند. تاثیر نویسندگان دومینیکی بر آثار مشتیلد ماگدبورگی که با اشعار عاشقانه و مناجات هایش شناخته می‌شود، روشن است. او احتمالاً با آرای

1. San Sisto
2. Hildegard of Bingen
3. Mechthild of Mgdeburg

توماس آکوئینی آشنا بوده، اما عمیق‌ترین تأثیر و به‌ویژه عناصر نوافلاطونی، آگوستینی، را از آلبرت کیبر گرفته است (Dickens, 2009: 73).

زنان مجاز به موعظه نبودند و بیشتر به کنشگری فکری تشویق می‌شدند؛ از این رو شماری از آنان به نوشتن سرگذشت خود و وضعیت جامعه و گروهی از زنان عارف به شرح مکاشفات خود پرداختند و از حمایت و آموزش بزرگان دومینیکی مانند مایستر اکهارت و جان تاولر وهنری سوسو برخوردار گردیدند. از مهم‌ترین عارفان زن تأثیرگذار در این طریقت علاوه بر کاترین سی‌ینایی^۱ (۱۳۴۷-۱۳۸۰م)، مارگارت اِبنر^۲ (۱۲۹۱-۱۳۵۱م)، کریستین اِبنر^۳ (۱۲۷۷-۱۳۵۶م)، آدلهاید لانگمن^۴ (۱۳۶۰-۱۳۷۵م) و الیزابت استاگل^۵ (مرگ ۱۳۵۱م) بودند. اینان به نوشتن سرگذشت خود و دیگر خواهران در این اجتماع و نیز نامه‌هایی که عرفان عمیق‌شان را روشن می‌کرد، می‌پرداختند.

دیگر کارهای عملی هم در این مراکز کتابت و تذهیب نسخ خطی بود. بسیاری از صومعه‌های زنان، آموزش دختران را بر عهده داشتند و بر زنان جامعه تأثیر می‌گذاشتند؛ برای نمونه در سده چهاردهم بسیاری از خانواده‌های شهری در اروپا، دخترانشان را برای تحصیل به صومعه‌ها می‌فرستادند. کتب آموزشی این صومعه‌ها مانند دفتر کوچک بانوی ما، کتاب ساعات و تسیح به لاتین و مجموعه‌ای از مزامیر، سرودها و نیایش‌ها، اغلب در ستایش حضرت مریم، بود. راهبه‌ها اجازه نداشتند صومعه را ترک کنند، فقط مریدان مرد وابسته به طریقت‌های سائل (فرایرها) که برخی از آنان آموزش دانشگاهی دیده بودند، اجازه داشتند برای آموزش به صومعه بیایند (Stoudt, 2015:430; Grendler, 2015:411).

کاترین سی‌ینایی، تأثیرگذارترین راهبه دومینیکی نیز برای بیان و مفهوم حیات عرفانی و حس عاشقانه‌اش که از نوع تشبه به مسیح بود، تلاش بسیار کرد. او همچنین، خود را وقف اصلاحات اجتماعی و رفع رنج‌های مردم و خدمت به فقیران بیمار شهر سی‌ینا کرد. او با تقدیم مفهوم خوشحالی می‌خواست همه آلام و مصائب عالم را تحمل کند تا به رستگاری برسد. شعار جامعه‌گرایی او این بود: «هیچ فضیلت کاملی وجود ندارد مگر این که در مورد همسایه ما انجام

1. Catherina of Siena
2. Margaret Ebner
3. Christina Ebner
4. Adelhehd Langman
5. Elisbet Stigel

شود». به تدریج معنویت او مورد توجه قرار گرفت و نه تنها زنان با ایمان بلکه راهبان فرهیخته و کشیشان و اشراف‌زادگان جوان نیز جذب او شدند و او را مادر مقدس خواندند (اندرهیل، ۱۳۹۲: ۲۰۵).

از نظر سیاسی، کاترین تحقق آرمان‌های الهی را وابسته به ایجاد صلح در شهرهای ناآرام ایتالیا و بازگرداندن مقام پاپی به رم و اعاده انضباط دینی می‌دانست. او بیش از چهارصد نامه به شخصیت‌های مختلف نوشت و به عنوان دیپلمات غیر رسمی به شهرهای ایتالیا و شهر آوینیون^۱ در فرانسه سفر کرد. تنها آرزوی او این بود که صلح برقرار شود تا در سایه آن حیات مسیحی شکوفا گردد. کاترین را می‌توان از زنانی دانست که به مفهوم موعظه دست یافته‌اند (اندرهیل، ۱۳۹۲: ۲۱۰؛ Flinn, 2007: 235).

۱۶۳

پژوهشنامهٔ اوبان

۳-۴. سیاست

در تاریخ اندیشه اروپا، الهیات سیاسی مفهومی مبهم بود، یکی از شخصیت‌هایی که در فلسفه سیاسی قرون وسطا تاثیرگذار بود، آگوستین است. او با کتاب شهر خدا، ورود جهان غرب به فلسفه سیاسی را تسهیل کرد و به کلیسا نقشی سیاسی و اجتماعی داد. آگوستین با اصطلاح‌های شهر خدا و شهر زمینی، تصویری از شهر زمینی از آشور تا روم که در آنها صلح وجود نداشت و از محبت که منشا آن خداوند است روی گردانده بودند، ارائه کرد. بر اساس دیدگاه او، مسیحیان خوب تا زمانی که ساکن قلمرو دنیا هستند به حکومت شهر زمینی و صلح و امنیت ناشی از آن نیاز دارند و باید مطیع دولت باشند. او در مسیحیت، تبعیت از حاکم عادل دنیوی را که قدرتش برگرفته از خداوند است را توجیه کرد (آگوستین، ۱۳۹۳: ۴۵۰؛ علی‌خانی، ۱۳۹۷: ۵۸، ۱۳۸).

الهی‌دان دیگری که بر فلسفه سیاسی در قرون وسطا تاثیرگذار بود، توماس آکوئینی از بزرگان طریقت دومینیکی است. به باور او، همه مسیحیان در زمینه امور اجتماعی و کارهای عمومی باید از اوامر فرمانروایان دنیوی خود که دستورات غیر الهی ندارند، اطاعت کنند. او با پیروی از ارسطو، وظیفه آموزشی برای دولت قائل شد و همچنین، وظیفه پادشاه و حکومت را افزون بر تامین امنیت و رفاه و عدالت، هدایت جامعه به سوی زندگی شرافتمندانه برای رسیدن به خدا می‌دانست (کاپلستون، ۱۳۹۸: ۱۴۹؛ علی‌خانی، ۱۳۹۷: ۱۴۰). ترکیب اندیشه سیاسی و اخلاقی

ارسطویی و الهیات مسیحی، به گونه‌ای که توماس آکوئینی مطرح کرد، اندکی پس از مرگ او در سده چهاردهم میلادی، شالوده نظری سیاست، اخلاق، حقوق و الهیات، بویژه در مبانی نظری جدید آن، در اندیشه سیاسی بود (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۲۸۲).

از نظر عملی، طریقت‌های رهبانی در سده‌های میانه از آن جهت که زیر نظر کلیسا بودند، کنشگری آنان در زمینه سیاسی-دینی با شرکت در اموری مانند تبشیر و تبلیغ، تفتیش عقاید و جنگ‌های صلیبی، با هماهنگی با دستگاه پاپی انجام می‌شد. طریقت دومینیکی در این سه زمینه با توجه به اصل موعظه‌گری، کنشگری پرکار بوده است.

۴-۳-۱. تبشیر

دومینیکی‌ها در کنار فرانسیسی‌ها از نخستین کنشگران تبشیر مسیحی در نقاط مختلف جهان، از جمله کشورهای اسلامی بودند و این کار را ناظر بر اصل موعظه می‌دانستند. این جریان با ظهور مغولان در شرق هم‌زمان بود. برای نمونه ژولین دی هونگری^۱، از راهبان دومینیکی با نفوذ در میان تاتارها، گزارش‌های ارزشمندی از موقعیت خان مغول و برنامه‌های نظامی او تهیه کرد (Dienes, 1937: 226-233).

راهبان دومینیکی در دوره ایلخانی در ایران نیز پایگاه داشتند و موفق به جمع‌آوری اطلاعات زیادی از کشورهای شرقی شدند. در ۱۳۲۴م راهب دومینیکی، گیوم آدام^۲ گزارش‌هایی از امپراطوری مغول و دیگر کشورها به پاپ ارائه کرد. او پاپ را تشویق کرد که سلطانیه را پایگاه سراسقفی دومینیکی‌ها قرار دهد. پس از آن، شهرهای دیگری از جمله تبریز، مراغه و نخجوان، راهبان دومینیکی را پذیرا شدند و نخجوان اسقف‌نشین اصلی آنها در ایران شد.

دومینیکی‌ها برای تبشیر آموزش‌های خاصی داشتند به طوری که رامون لول^۳ از دومینیکی‌ها در ۱۲۳۸م برای تبلیغ مسیحیت به مطالعه احکام شرعی مسلمانان پرداخت و برای توانمندی در امر تبلیغ، به راهبان زبان عربی آموزش می‌داد (Damian, 2010:189; Lockhart, 1986: 374).

۴-۳-۲. تفتیش عقاید

1. Julien de Hungri
2. Guillaume Adam
3. Ramon Lull

ظاهرا دومینیکی‌ها در عرصه تفتیش عقاید کنشگرانی پایدار و از پشتیبانان پاپ شمرده می‌شدند و آنان را مفتشان پاپ می‌نامیدند. ظاهرا دادگاه‌های تفتیش عقاید، پیش از فعالیت آلبیژنی‌ها که دومینیک با آن روبه‌رو شده بود، وجود داشت. تفتیش عقاید نخست در فرانسه شکل گرفت. در ۱۱۱۹م آلبیژنی‌ها، ملحد شناخته شدند و در ۱۱۴۵م برنارد کلروویی و پس از آن در ۱۲۰۶م دومینیک و اسقف اُسما برای موعظه آنان به لانگدوک^۱ اعزام شدند. دومینیک و همراهانش از نخستین واعظانی بودند که پاپ اوربوس سوم^۲ آنها را رسماً پذیرفت. در ۱۲۲۱م پاپ گرگوری نهم^۳، نوه پاپ اوربوس، نیز ادامه کار را به دومینیکی‌ها سپرد. در این دوره فرانسیسی‌ها هم به آنها پیوستند (تستا، ۱۳۷۹: ۱۱-۲۴).

دومینیکی‌ها به سبب همراهی با تفتیش عقاید به سگ‌های پروردگار^۴ مشهور شدند و برای تبیین جنبه حقوقی آن، برناردگی^۵ و نیکلاس ایریک^۶ مقرراتی تدوین کردند. ظاهرا دومینیکی‌ها احکام خشنی صادر می‌کردند که سبب شورش مردم می‌شد. چنان‌که در ۱۲۷۹م در پارما^۷ در فرانسه دوزن را در آتش سوزاندند؛ در پی آن، مردم به صومعه آنها حمله کردند و یکی از راهبان را کشتند و تا هشت سال کشیش‌ها نتوانستند وارد پارما شوند. نام دومینیکی‌ها در کارهای خشن دیگری مانند بیرون آوردن مردگان از قبر و سوزاندن آنها نیز به چشم می‌خورد. تفتیش عقاید امری توده‌پسند نبود و نماد آن تصویر پیترو شهید^۸ است که با چاقوی تیز سرش را باز کرده‌اند (تستا، ۱۳۷۹: ۳۰، ۳۹؛ Izbiccki, 2015: 414). شرکت دومینیکی‌ها در تفتیش عقاید به حمایت از کلیسای کاتولیک و در تقابل با آزادی اندیشه و تمایل به ایجاد دینی یک‌دست، را می‌توان نقطه تاریک طریقت دومینیکی دانست.

۳-۳-۴. جنگ‌های صلیبی

جنگ‌های صلیبی، مشهور به جنگ‌های مذهبی ظاهرا به دعوت پاپ برای بازپس‌گیری سرزمین‌های مقدس از مسلمانان آغاز گردید. این جنگ‌ها از ۱۰۵۹م تا ۱۵۰۰م در حدود ۴۰۰ سال

1. Lengadoc
2. Pope Honorius III
3. Pope Gregory IX
4. the Lord's dogs
5. Bernard Gui
6. Nicholas Eyeric
7. Parma
8. Peter the Hermit

به طول انجامید. صلیبیان ابتدا پیروزی‌هایی داشتند اما سرانجام از سرزمین‌های مقدس بیرون رانده شدند. این جنگ‌ها تاثیر زیادی بر سیاست، اقتصاد و فرهنگ اروپا گذاشت. در این دوران، دستگاه پاپی، جنبه‌های دینی و سیاسی را به هم آمیخته بود و این که پاپ جهادگر، اوربان دوم^۱، از قضا راهبی وابسته به صومعه کلونی بود، اتفاقی نبود (لوگوف، ۱۳۹۵: ۱۴۰-۱۴؛ Tyerman, 2004: 102).

گاه راهبانی مانند برنارد قدیس (برنارد کلروویی) مستقیماً در جنگ شرکت می‌کردند. او خود بانی دومین جنگ صلیبی بود و در پی سخنرانی تحریک‌کننده‌اش، بسیاری در جنگ شرکت کردند. این جنگ به شکست مصیبت‌باری انجامید و مخالفان به نكوهش برنارد پرداختند. در مقابل او مدعی شد که مشیت قادر متعال بالاتر از فهم انسان است و این حادثه مجازاتی برای گناهان مسیحیان بوده است (دورانت، ۱۳۸۲: ۷۹۵-۷۹۷).

در سده سیزدهم که شور نخستین کاهش یافت، راهبان دومینیکی با تسلط بر کتاب مقدس و الهیات، واعظان مناسبی بودند و جنگجویان را موعظه و مالیات، نذر و پول برای حمایت از جنگ، جمع‌آوری می‌کردند. رهبران دومینیکی مانند هامبرت رومی^۲، پیترو شهید، آلبرت کبیر، نیز در دفاع از جنگ‌های صلیبی موعظه می‌کردند. حتی کاترین سیه‌نایی یک از پرشورترین مروجان جنگ‌های صلیبی در سده چهاردهم بود. از این میان هامبرت رومی به سبب نوشتن یک موعظه صلیبی به عنوان کتاب راهنما، شهرت داشت. این کتاب پس از صنعت چاپ، از نخستین کتاب‌هایی بود که به چاپ رسید. از طرف دیگر، آنان مانند فرانسیسی‌ها دست کم با توجه بعد معنوی جنگ، جذابیت مسیح‌گونه و جنبه توبه‌آمیز جنگ را پذیرفته بودند و آن را با دیگر اهداف خود مانند مبارزه با بدعت و تبلیغ، ترکیب کرده و به عنوان یک هدف واحد می‌نگریستند (Maier, 2006: 362).

۴-۴. هنر

هرچند هنر رهبانی مفهومی مستقل ندارد، اما معمولاً راهبان و از جمله دومینیکی‌ها به هنر گرایش داشتند و از مفهوم موعظه و دیگر نمادهای وابسته به طریقت‌شان در هنر و معماری بهره می‌بردند.

1. Urbanus II

2. Humbert of Romans

در زمینه معماری، کلیساها و صومعه‌هایی مانند کلیسای سنت ماریا نوللا^۱ در فلورانس ساختند که نمونه یک بنای گوتیک ایتالیایی به شمار می‌آید. کلیسای ژاکوبین‌ها^۲ در تولوز (۱۲۳۰-۱۲۹۲م) نیز طرحی متفاوتی دارد (McWilliams, 2015:78)

هنرمندان دومینیکی هم روحانی و هم غیر روحانی بودند. راهبان دومینیکی در زمینه آراستن صومعه‌ها حضور جدی داشتند، برای نمونه فرادامیانو زامبلی^۳ (۱۴۸۰-۱۵۴۹م) تزئینات چشمگیری برای صومعه برگامو^۴ انجام داد. خواهران دومینیکی نیز راهبه-هنرمند بودند مانند پراتیلائی^۵ (۱۵۲۳-۱۵۸۸م) که در فلورانس محراب‌هایی را نقاشی کرد.

نام‌آورترین هنرمند دومینیکی فرا آنجلیکو^۶، نمونه یک هنرمند روحانی است که حجره‌ها و اتاق اجتماعات صومعه سن مارکو^۷ در فلورانس را نقاشی کرد. شهرت او به واتیکان رسید و پاپ اوژن چهارم^۸ از او خواست تا کلیساهای واتیکان را تزئین کند. هنر فرا آنجلیکو را نتیجه ایمان عمیق او به طریقت دومینیکی می‌دانند. یکی از آثار او تصویر دومینیک قدیس در حال مراقبه در صومعه فلورانس است (Aruould, 2015:1379; Kruger, 2012:294).

نگاره‌های سرپرستان صومعه‌های زنان و مردان نیز بسیار مورد توجه بود. این چهره‌پردازی‌ها ابتدا بر روی چوب و بعدها بر روی بوم اجرا می‌شد. تزئین صومعه‌ها اهمیت بسیاری داشت و اغلب به هنرمندان بیرون از صومعه سفارش می‌شد، مانند نقاشی شام آخر در صومعه دومینیکی در سانتاماریادله^۹ در میلان که لئوناردو داوینچی آن را نقاشی کرد (Aruould, 2015: 1379).

نقاشی «راه نجات»^{۱۰} بر روی گچ، اثر آندریا بناتی^{۱۱} در کلیسای سنت ماریا نوللا^۱ در اسپانیا، تصویر روشنی از طریقت دومینیکی را نشان می‌دهد. در بالاترین نقطه این نقاشی قدیسی جای گرفته که نماد نیروی هدایت‌کننده برتر است. در قسمتی دروازه بهشت و در قسمتی دیگر کلیسایی و گروهی پیشاپیش آن دیده می‌شود که تمثیل مومنان‌اند. بر روی سکویی سه نفر

1. St. Maria Novella
2. Jacobins
3. Fra damiano Zambelli
4. Bergamo
5. Fra Angelico
6. San Marco
7. Eugene iv
8. Santa Maria dell Grazie
9. The path to salvation
10. Andrea Bonaiuti
11. S. Maria Novella

نشسته‌اند، در وسط پادشاه و در جانب راست پاپ و در جانب چپ کاردینالی در جامه دومینیکی با کتابی در دست که نماد تعالیم دومینیکی است. تفتیش عقاید با سگ‌هایی به رنگ سفید و سیاه نمایش داده شده است. دو سگ از چهار گوسفندِ جلوی پای پاپ و پادشاه که نماد مسیحیان‌اند حمایت می‌کنند. معانی نمادین این نقاشی موضوعی برای موعظه‌کنندگان دومینیکی بوده است (Kruger, 2012: 296).

۵. طریقت دومینیکی پس از سده چهاردهم

این طریقت مانند دیگر طریقت‌ها، بسیاری از اعضای خود را در جریان مرگ سیاه (طاعون) از دست داد. در سده چهاردهم و پانزدهم اصلاحاتی انجام شد. دومینیکی‌های سده شانزدهم نیز برای بازگشت به مفهوم ایمان پیشین تلاش کردند. از سده هفدهم دومینیکی‌ها کمتر در خط مقدم اندیشه اروپا و از جمله تبشیر و تبلیغ جای داشتند. این شرایط تا سده هجدهم ادامه داشت. در این دوره حکومت‌های سکولار با طریقت‌های رهبانی مخالف بودند و صومعه‌های بسیاری تعطیل شد. با انقلاب فرانسه همه طریقت‌های رهبانی سرکوب شدند. شاخه دومینیکی اسپانیا نیز از جنگ‌های ناپلئون به شدت آسیب دید. در آمریکا دولت‌های سکولار به راهبان به عنوان عناصر ارتجاعی حمله می‌کردند، حتی دولت‌های اسپانیا و پرتغال نیز در دهه ۱۸۳۰م با دومینیکی‌ها مخالف بودند، اما پس از سقوط ناپلئون، ثروت دومینیکی‌ها برگشت. از پیدایش دومینیکی‌ها هجده مرد و زن به مرتبه قدیس نائل شدند و چهار پاپ و ۶۹ کاردینال و چند هزار اسقف از میان دومینیکی‌ها برگزیده شدند (Izbicki, 2015:415).

نتیجه‌گیری:

دومینیکی‌ها از طریقت‌های رهبانی بسیار تاثیرگذار در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و علمی در قرون وسطا بودند. آنان از نظر طریقتی با طرح نظام سامان‌یافته استانی، تشکیلات سازمانی رهبانیت مسیحی را ارتقا بخشیدند و با اینکه مفهوم «موعظه» در مسیحیت همیشه مورد توجه بود؛ آن را محور تمام کارهای خود قرار دادند. نخست در جریان‌های بدعت‌آمیز مانند آلبیژنی‌ها، دومینیکی‌های سائل و دانش‌گرا در جایگاه واعظ به هدایت و مهار آنان پرداختند. موعظه کردن به اندازه‌ای اهمیت داشت که اندیشمندان دومینیکی نیز برای انجام آن به میان مردم می‌رفتند.

خاستگاه طریقت دومینیکی از آغاز متکی بر علم‌آموزی و دانش‌افزایی بود و در این زمینه دومینیک قدیس پای می‌فشرد. از این‌رو حضور اندیشمندان و عارفان نام‌آور دومینیکی در فلسفه و عرفان مسیحی در قرون وسطا بسیار برجسته است. از متکلمان مشهور آلبرت کبیر، توماس آکوئینی و مایستر اکهارت‌اند که در تکوین و تحول الهیات و عرفان مسیحی و پیوند عرفان و علم جریان‌ساز بوده‌اند. از جنبه نظری الهی‌دانانی مانند توماس آکوئینی در فلسفه خود به برطرف کردن تقابل اندیشه‌های یونانی و اسلامی با آموزه‌های مسیحی پرداختند. همچنین در زمینه عرفان، شخصیت‌هایی مانند مایستر اکهارت مباحث پیچیده‌ای مانند «عمل و نظر» و برداشت جدیدی از «تثلیث» را به عرفان مسیحی افزودند. حضور در دانشگاه‌ها که تازه شکل گرفته بود و کمک به ارتقای سطح آموزش در مدارس صومعه‌ها از دیگر کارهای شاخص آنان است.

رهبانیت مسیحی در قرون وسطا بدون حضور زنان، تصور نمی‌شود. دومینیکی‌ها به ویژه دومینیک قدیس و جانشینانش در حمایت، جذب و آموزش زنان راهبه، اهتمام ویژه داشتند. هرچند صومعه‌های زنان زیر نظر صومعه‌های مردان اداره می‌شد، زنان راهبه در این مکتب شیوه سیر و سلوک خاص داشته و برخی مانند کاترین سیه‌نایی هم عارف و هم کنشگری اجتماعی-سیاسی بودند. او از نمونه زنانی بود که مفهوم موعظه را به فعلیت رساند. راهبه‌ها با پشتیبانی بزرگان دومینیکی در زمینه القای جریان شهودی به عرفان مسیحی نیز تاثیرگذار بودند. زنان راهبه از نظر کارکرد اجتماعی، با آموزش زنان و دختران، مشارکت در امور خیریه و نیز کتابت نسخ خطی، سرمشاخده‌های بسیاری بودند و گام به گام به مسیر عرفان روشنی و حیات بخشیدند.

دومینیکی‌ها در مسائل سیاسی برای تبیین الگوهای نیک برای جامعه مسیحی به موعظه می‌پرداختند و علم‌آموزی و کسب دانش، تبلیغ و تبشیر و همکاری در تفتیش عقاید را مجموعه‌ای واحد برای حرمت نهادن و دفاع از مفهوم ایمان می‌دانستند، با این حال تفتیش عقاید و صدور احکام خشن نقطه تاریکی در سرگذشت آنان و مسئله‌ای تاسف‌آور به حساب می‌آید.

درباره رابطه راهبان دومینیکی و هنر به نظر می‌رسد که آنان افزون بر ساخت صومعه، در دیگر هنرها نخست از مفاهیم و نمادهای دومینیکی مانند موعظه و بدعت، بهره می‌جستند و در عمل به هنر نقاشی و چهره‌پردازی قدیسان گرایش بیشتری داشتند.

در مجموع آن‌چه دومینیکی‌ها را در زمینه‌های علم، زنان، سیاست و هنر به پویایی می‌رساند، انگاره وعظ است که برای پاسداری از ایمان در جهان‌زیسته مسیحیت شکل گرفته بود و دومینیکی‌ها آن را محور کارهای خود ساختند.

جامعه و رهبانیت مسیحی و نیز طریقت دومینیکی در قرون وسطا در سه مقوله تبادل علمی و فلسفی به ویژه درباره بهره‌مندی توماس آکوئینی و اکهارت از آرای فلاسفه اسلامی، جنگ‌های صلیبی و حضور مبشران مسیحی و دومینیکی در سرزمین‌های اسلامی با مسلمانان رویارویی داشتند که همه از جانب مسلمانان واکنش‌هایی داشته، ضرورت دارد در پژوهشی دیگر به آن پرداخته شود.

۱۷۰

پژوهشنامه ادیان

منابع:

- آگوستین، قدیس (۱۳۸۰). *اعترافات قدیس آگوستین*، مترجم سایه میثمی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- آگوستین، قدیس (۱۳۹۳). *شهر خدا*، ترجمه حسن توفیقی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- اندرهیل، اولین (۱۳۹۲). *عارفان مسیحی*، مترجمان حمید محمودیان و احمدرضا مویدی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ایلخانی، محمد (۱۳۸۳). «توماس آکوئینی»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۸، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- بندیکتوس قدیس (۱۳۹۶). *قواعد بندیکت قدیس عارف و راهب قرن ششم*، ترجمه و نقد سی محمدرضاموسوی‌فراز، ترجمه به انگلیسی میسل آنتونی، ماسترو ام‌ال، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- پازوکی، شهرام (۱۳۹۵). *حکمت مسیحی (مطالعه‌ای تطبیقی با حکمت اسلامی)*، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- تستا، گی و ژان تستا (۱۳۷۹). *تفتیش عقاید*، مترجم غلامرضا افشار نادری، تهران: جامعه ایرانیان.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۸۲). *عصر ایمان (بخش دوم، جلد چهارم تاریخ و تمدن ویل ردلر)*، مترجم ابوالقاسم طاهری، ویراستار هرمز عبدالهی تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ردلر، شارلوت (۱۳۹۷). «عمل و نظر»، در *درباره عرفان مسیحی: مقالاتی از برنارد مک‌گین و دیگران*، گردآوری و ترجمه محمد صبائی، تهران، ققنوس..
- ژیلسون، اتین (۱۳۸۹). *تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطا*، ترجمه رضا گندمی نصرآبادی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، تهران: سمت.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۲). *تاریخ سیاسی جدید در اروپا*، تهران: نشر نگاه معاصر، ج ۱.
- علی‌خانی (۱۳۹۷). *الاهیات اجتماعی مسیحیت*، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۹۸). *تاریخ فلسفه*، ترجمه ابراهیم دادجو، تهران: سروش، ج ۲.
- کونگ، هانس (۱۳۸۴). *تاریخ کلیسای کاتولیک*، مترجم حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

کورت، فلاش (۱۴۰۰). مایستر اکهارت: تولد عرفان آلمانی از روح فلسفه اسلامی، برگردان محمد اخگری، ویراستار حسن رحمانی، تهران، شب قلم.

گرین‌بلت، استیون (۱۳۹۷). جهان چگونه مدرن شد؟: داستان یک «پیچ»، یک کاتب، یک کتاب، مترجم مهدی نصراله‌زاده، تهران: بیدگل.

لوگوف، ژاک (۱۳۹۵). تولد اروپا، ترجمه احمد علیقلیان، تهران: انتشارات مینوی خرد.

لین، تونی (۱۳۸۶). تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه رولرت آسریان، تهران: نشر فرزانه روز.

ولد، فرانسیس (۱۳۸۹). «شهبازی»، مترجم مرضیه سلیمانی، اطلاعات حکمت و معرفت، اسفند، سال ۵، ش ۱۲.

هالف آپ، دنیس (۱۳۹۲). نسخه ناشناخته از حسین واعظ کاشفی، ترجمه محمد جواد احمدی‌نیا، کتاب ماه کلیات، شهریور، ش ۱۸۹.

- Aruould, Alain O.P, (2015).” Visual arts Christian: painting”, *Encyclopedia of Monasticism*, ed William M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York, Routledge.
- Boland, Vivian. O.P (2015).”Albert Magnus, st”, *Encyclopedia of Monasticism*, ed William M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York: Routledge. 2015
- Casey, Micheal O.C.S.O, (2015). “Theology of Saint Bernard”, ", *Encyclopedia of monasticism*, ed. William M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York, Routledge.
- Damian,J.Smitt(2010). *Crusade, Heresy and Inquisition in the land of Crown of Aragon(c1167-1270)*, Leiden, Boston.
- Dickens, Andrea Janelle (2009). *The Female Mystic Great Women Thinkers of the Middle Ages*, London, I.B.Tauris.
- Dienes, Mary (1937). “Eastern missions of the Hungarian Dominicans in the first half of the thirteenth century”, *Isis*. XXVII, no2(Aug).
- English, Edward. D(2005). *Encyclopedia of the medieval world*, New York, Facts on file.
- Grendler, Paul F. (2015). “Education of Christian monastics”, *Encyclopedia of Monasticism*, ed William M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York, Routledge.
- Dunn, Marilyn (2003). *The emergence of monasticism: from the desert father to the early middle ages*, Malden, Black Well.
- Fanning, Steven (2001). *Mystics of Christian tradition*, London, Routledge.
- Feiss, Hugh (2015). ”Monasticism, definitions: Christian perspectives”, *Encyclopedia of Monasticism*, ed William M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York, Routledge.
- Flinn, Frank (2007). *Encyclopedia of Catholicism*, New York, Facts on file.
- Gonigle, Tomas,Mc(2005). “Dominicans”, *Encyclopedia of Relion*, second edition, editor Lindsay Jones, Michigan, Thomas Corporation.

- Kerr, Fergus (2009). *Thomas Aquinas, a very short introduction*, New York: Oxford university press.
- Kruger, Kristin (2012). *Monasteries and monastic orders: 2000 years of Christian art and culture*, ed Rolf Toman. Postdam, H.F. Fullmann.
- Izbicki, Tomas (2015). "Dominicans: General or Mail" *Encyclopedia of Monasticism*, ed William M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York, Routledge.
- Lockhart, Laurence (1986). "European contact with persian, 1350-1736" in *The Cambridge history of Iran*, vol.6, ed Peter Jackson and Lockhart, Laurence, Cambridge.
- Lawrence C.H. (2015). *Medieval monasticism*, New York, Routledge.
- Maier, Christoph T. (2006). "Dominican order", *The crusades: An Encyclopedia*, ed Alan V. Murray, USA, vol.2.
- McWilliams, Philip (2015). "Western Christian monasteries", *Encyclopedia of Monasticism*, ed William M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York, Routledge.
- Powell, James (2015). "Franciscans", *Encyclopedia of Monasticism*, ed William M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York, Routledge.
- Rubenson, Samuel (2015). "Antony, st", *Encyclopedia of Monasticism*, ed William M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York. Routledge.
- Stoudt, Debral L. (2015). "Dominican: female" *Encyclopedia of Monasticism*, ed William M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York, Routledge.
- Stuart, Davidm (2015). "Libraries: Western Christian", *Encyclopedia of Monasticism*, ed William M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York, Routledge.
- Timko, Philip. Osb (2015). "Dominic, st", *Encyclopedia of Monasticism*, ed William. M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York, Routledge.
- Tyerman, Christopher (2004). *Fighting for Christendom: holy war and the cruades*, New York, Oxford university press.
- Vicaire, M. H. (2003). "Dominic, st". *New Catholic encyclopedia*, Washington D.C, Gale. vol 4.
- Woods, Richard O.P, (2015). "Eckhart, Meister" *Encyclopedia of Monasticism*, ed William M. Johnston and Christopher Kleinhenz, New York, Routledge.